

دین‌داری و انزوای اجتماعی مورد مطالعه: شهروندان شهر مشهد

سیدعلیرضا افشانی^۱
حسین عباس‌نژاد^۲

سال چهاردهم، شماره دوم، زمستان ۱۳۹۸

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۴/۱۶

شماره صفحه: ۵۹-۳۰

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۸/۲۰

چکیده

یکی از مؤلفه‌های اساسی در توسعه هر جامعه‌ای، مشارکت و عدم انزوای اجتماعی افراد آن جامعه است. پایین بودن سطح میزان انزوای اجتماعی، در هر جامعه‌ای پیش‌نیاز هر گونه توسعه اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی محسوب شده است. آگاهی از وضعیت انزوای اجتماعی ساکنان یک اجتماع، نقش مؤثری در شناخت چالش‌ها و راهکارهای توسعه یک جامعه داشته و به برنامه‌ریزی در جهت رسیدن به توسعه پایدار در جامعه کمک خواهد نمود. به عقیده بسیاری از محققین و صاحب‌نظران، یکی از عواملی که نقش قلیل ملاحظه‌ای در کاهش میزان انزوای اجتماعی دارد، دین‌داری است. لذا پژوهش حاضر در صدد است تا رابطه بین دین‌داری، با انزوای اجتماعی را در بین شهروندان شهر مشهد مورد بررسی قرار دهد. روش این تحقیق پیمایشی بوده و جمع‌آوری داده‌ها به کمک پرسشنامه محقق‌ساخته دین‌داری و پرسشنامه استاندارد انزوای اجتماعی (دی‌یونگ گیرولد) صورت گرفته و روایی به صورت محتوایی احراز شده است و حجم نمونه با استفاده از فرمول کوکران، ۳۲۳ نفر تعیین شده است. پرسشنامه در سطح شهر مشهد توزیع و با روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای اجرا شده و داده‌های تحقیق در دو

بخش توصیفی و استنباطی با استفاده از نرم‌افزارهای SPSS و اموس مورد تحلیل قرار گرفته است. یافته‌های تحقیق حاکی از آن است که میانگین نمرات پاسخ‌گویان به لحاظ انزوای اجتماعی در سطح کمی پایین‌تر از حد متوسط (۲۸/۹۰ در مقایسه با میانگین نظری ۳۳) و از لحاظ میزان دین‌داری در سطح بیشتر از حد متوسط (۸۶/۶۱ در مقایسه با میانگین نظری ۷۲) قرار دارند. هم‌چنین آزمون فرضیه اصلی تحقیق نشان داد رابطه معکوس و معناداری (۰/۱۷۳-) بین دین‌داری و انزوای اجتماعی وجود دارد و بین سطح دین‌داری بر حسب وضعیت تأهل و جنسیت و سطح انزوای اجتماعی بر حسب وضعیت تأهل و جنسیت، تفاوت معناداری مشاهده نمی‌شود. نتایج این تحقیق، همسو با دیدگاه جامعه‌شناسان بزرگی هم‌چون استارک، بین بریج، برگر، یونگ، ویلسون، دورکیم، پوتنام، آدی و بینگر است که معتقدند رابطه معناداری بین دین‌داری و انزوای اجتماعی وجود دارد.

واژگان کلیدی: دین‌داری، انزوای اجتماعی، تنهایی عاطفی، تنهایی اجتماعی

بیان مسأله

یکی از مسائلی که امروزه مورد مطالعه بسیاری از اندیشمندان حوزه علوم اجتماعی، روان‌شناسی، مدیریت و سایر حوزه‌های علوم انسانی قرار گرفته، انزوای اجتماعی است. اندیشمندان مختلف از جنبه‌های متفاوتی انزوای اجتماعی را مطالعه کرده‌اند. لوچر و دیگران (Locher, et al., 2005: 748) انزوای اجتماعی را جدایی فیزیکی و اجتماعی افراد از دیگران تعریف نموده‌اند. سیمن (Seeman, 1983: 175) انزوای اجتماعی را واقعیتی فکری می‌داند که در آن فرد تعلق و انفعال کاملی را با ارزش‌های موسوم جامعه احساس می‌کند. یورک و وایت (York & Waite, 2009: 119)، آن را به معنای عدم پیوندهای اجتماعی در میان افراد می‌دانند. بورهالت و ونگر (Burholt & Wenger, 2004: 119) انزوای اجتماعی را در فقدان ارتباط با دیگر مردم می‌دانند. کریستینا، اسکامبلر و بوند (Christina, Scambler & Bond, 2009: 1175) بر این باورند که انزوای اجتماعی در دو مفهوم مجزا بیان می‌شود: اول در معنای جدایی افراد از گروه‌های اجتماعی، مثل خانواده، دوستان و همسایگان، دوم در معنای جدایی فرد از روابط و

وابستگی‌های شخصی خود با دیگران. به عبارتی، دیگر زمانی که فرد از خود ناراضی باشد و کسی را نداشته باشد که برای مهرورزی به او تکیه کند، منزوی می‌شود. چلبی و امیرکافی (۱۳۸۳: ۴) نیز انزوای اجتماعی را در معنای فقدان یا ضد آرای فرد با سایر افراد، گروه‌ها و جامعه تعریف می‌نمایند و ابعاد آن را بر اساس سطح روابط خانوادگی، روابط محلی، پیوندهای انجمنی و سرمایه اجتماعی ابزاری بررسی می‌کند.

توسعه اجتماعی را می‌توان فرایندی دانست که منجر به توانمندسازی انسان‌ها، افزایش بهره‌وری، کاهش مشکلات و پیشرفت جامعه می‌شود. یکی از مؤلفه‌های اساسی در توسعه هر جامعه‌ای، مشارکت و عدم انزواطلبی افراد آن جامعه است (Mannarini, Fedi & Trippetti, 2010: 265). توجه کردن به نقش مشارکت اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و مشکلات ناشی از عدم مشارکت و انزواطلبی در جامعه ایران که به‌عنوان یک جامعه در حال گذار، شرایط و مشکلات ویژه‌ای را تجربه می‌کند (جلایی‌پور، ۱۳۸۹: ۲۷)، حائز اهمیت فراوان است. هم‌چنین باید بیان داشت که اگرچه نمی‌توان با قاطعیت رابطه‌ای مستقیم و همیشگی بین مشارکت اجتماعی و توسعه اجتماعی برقرار کرد (Woolcock, 1998: 168)، ولی نتایج بسیاری از تحقیقات نشان می‌دهد که مشارکت (به‌عنوان یکی از مؤلفه‌های اساسی سرمایه اجتماعی) با توسعه اجتماعی، رابطه مثبتی دارد (فیروزآبادی، حسینی و قاسمی، ۱۳۸۹: ۶۵).

نتایج تحقیقاتی که مرتبط با موضوعات مشارکت کردن و درگیر شدن افراد با جامعه و مسائل اجتماعی است، نشان از مشارکت بالای افراد جامعه ندارد. به‌طور مثال، بنی‌فاطمه و رسولی (۱۳۹۰: ۲۵) در تحقیق خود به این نتیجه رسیدند که رضایت اجتماعی و احساس اثربخش بودن در بین دانشجویان دانشگاه تبریز در حد پایین است. بنابراین برای کشورهای در حال توسعه مانند ایران، ضروری است که از حداکثر توان مشارکتی اعضای جامعه خود بهره‌برداری مناسب را داشته باشند.

رادکلیف براون^۱، تنها به کارکردهای دین توجه کرده و آن را باعث نگه‌داشت نظم اجتماعی می‌داند (شجاعی‌زند، ۱۳۸۴: ۵۴-۵۵). امام علی (ع) نیز در معنی دین فرموده‌اند: آغاز دین

1. Radcliffe-Brown

تسلیم بودن در برابر پروردگار و پایان آن، بندگی خالص در برابر او است. هم‌چنین از دیدگاه اسلام دین را می‌توان چنین تعریف کرد: دین مجموعه‌ای از معارف، عقاید، احکام و اخلاق و در یک کلام هست‌ها و نیست‌ها و باید‌ها و نباید‌هاست که خداوند جهت هدایت بشر به‌وسیله منابع و ابزاری چون کتاب، سنت، عقل و فطرت نازل فرموده است (خسروپناه، ۱۳۷۹: ۷۴).

نگاه رایج به دین و تأثیر آن بر رفتارهای اجتماعی (از جمله انزوای اجتماعی)، عمدتاً در چارچوب عمل اخلاقی است، یعنی مذهب (همان بحث دین‌داری افراد)، گذشتن از نفع فردی به‌عنوان یک عمل اخلاقی و پسندیده را به پیروان خود توصیه و آنها را به پذیرش آن ترغیب می‌کند. دورکیم^۱ (۱۳۶۹: ۱۰۵) درباره این نوع از تأثیر دین می‌گوید: «مذهب اساساً امری اجتماعی است. مذهب نه تنها امری فردی نیست، بلکه هر لحظه فشارها و محدودیت‌هایی را بر افراد اعمال می‌کند. مذهب فرد را وادار به اعمالی می‌کند که برای وی آسان نیست و ایثارهای کوچک و بزرگی را از وی انتظار دارد که برای او گران تمام می‌شود. قربانی‌ها و نذوراتی که فرد بلید در راه خدا خرج کند، از اموال او برداشت می‌شود و لحظه‌های لازم برای انجام فرایض مذهبی، از اوقات کار و فراغت او می‌کاهد، فرد مجبور است به انواع محدودیت‌ها که مذهب به وی دستور داده است، تن در دهد و حتی در راه خدا از زندگی خویش بگذرد. حیات مذهبی، حیاتی است سرشار از فداکاری و از خودگذشتگی».

جامعه ایرانی به‌عنوان یک جامعه مذهبی و در حال گذار، شرایط ویژه‌ای را تجربه می‌کند. شاید مهم‌ترین مسأله‌ای که در تحلیل پدیده‌های اجتماعی در چنین جامعه‌ای بلید در نظر گرفت، این واقعیت است که ایران به‌عنوان یک جامعه در حال گذار که به‌واسطه ضرورت‌های تاریخی درگیر روابط پیشرفته با پیرامون خود است، با مجموعه‌ای از بحران‌های دوره گذار و مسأله‌های مربوط به جوامع پیشرفته به‌طور هم‌زمان دست به‌گریبان است. مسأله‌ای که غفلت از هر کدام، این جامعه را تا حد زیادی در معرض آسیب‌های ناشی از بی‌هنجاری اجتماعی قرار می‌دهد. شاید یکی از مسأله‌های مهمی که درباره گرفتاری‌های اجتماعی در ایران امروز به چشم می‌آید، میزان انزوای اجتماعی و گسستگی حاصل از آن و هم‌چنین رشد شتابان این پدیده در جامعه ایران است که به لحاظ ذهنی،

در انسان ایرانی احساس بی‌پناهی مضاعف و عدم امنیت و اعتماد و از این طریق، ایجاد احساس محرومیت و عدم رضایت‌مندی از زندگی را تولید می‌نماید. از آن جایی که جامعه ایران یک جامعه مذهبی است، نقش مذهب و دین‌داری در این مسأله می‌تواند بسیار حائز اهمیت و بنیادین باشد. این‌طور به نظر می‌رسد که جامعه ایرانی به لحاظ اجتماعی، در شرایطی قرار دارد که فقدان حداقلی از جهت‌گیری‌های جمع‌گرایانه در آن گسترش روزافزون انزوای اجتماعی را دامن زده است. با عنایت به موارد بالا، تحقیق حاضر به دنبال پاسخ‌گویی به این سؤال است که چه رابطه‌ای بین دین‌داری و انزوای اجتماعی، وجود دارد؟

پیشینه تجربی پژوهش

در یک نگاه کلی در جدول ۱ می‌توان گفت مرور پیشینه تجربی در وهله نخست بیانگر این است که مطالعات معدودی در داخل کشور به بررسی رابطه دین‌داری با انزوای اجتماعی پرداخته است. همچنین در برخی مطالعات از مفاهیم احساس تنهایی، بیگانگی اجتماعی، بی‌تفاوتی اجتماعی که مشابهت مفهومی با انزوای اجتماعی دارند بهره برده شده است. در وهله دوم، هیچ مطالعه‌ای به طور مستقیم رابطه دین‌داری با انزوای اجتماعی را چه در داخل و خارج کشور نسنجیده‌اند و بیشتر به مطالعه انزوای اجتماعی با سایر مفاهیم جامعه‌شناختی پرداخته شده است.

جدول (۱) پیشینه داخلی و خارجی

نام محقق و سال انتشار تحقیق	روش تحقیق	یافته‌های تحقیق
چلبی و امیرکافی (۱۳۸۳)	پیمایش	سطح روابط اجتماعی به نوبه خود، تأثیر مؤثر و کاهنده‌ای بر احساس تنهایی، انزوای اجتماعی و احساس عجز نشان می‌دهد.
محسنی، دوران و سهرابی (۱۳۸۵)	پیمایش	بین زمان استفاده از اینترنت در طول شبانه‌روز و انزوای اجتماعی، رابطه معنادار و معکوس وجود دارد. همچنین استفاده اجتماعی از اینترنت (استفاده از شبکه‌های مجازی) موجب کاهش انزوای اجتماعی می‌گردد.
سجادیان و نادری (۱۳۸۵)	پیمایش	رابطه مستقیمی بین میزان استفاده از اینترنت، با افسردگی و انزوای اجتماعی مشربان وجود دارد. تفاوتی بین انزوای اجتماعی و میزان ساعات کار با اینترنت بر حسب جنسیت، تأهل و تحصیلات کاربران وجود ندارد.
ابراهیمی مقدمیان (۱۳۸۸)	پیمایش	بین متغیرهای جمعیت‌شناختی با انزوای اجتماعی، ارتباط معناداری وجود ندارد. بین تصور از آینده، تنش فرهنگی ناشی از وسایل ارتباط جمعی، آرمان‌گرایی و مشارکت

اجتماعی جوانان امور روزمره با انزوای اجتماعی همبستگی معناداری وجود دارد.		
رابطه معکوس و معناداری بین دین‌داری با بیگانگی اجتماعی و انزوای اجتماعی وجود دارد. بین سن و انزوای اجتماعی، رابطه وجود ندارد، اما بین اعتماد اجتماعی و بیگانگی اجتماعی، رابطه وجود دارد.	پیمایش	بنی فاطمه و رسولی (۱۳۹۰)
هرچه اضطراب ناشی از ارزیابی منفی اجتماعی در نوجوانان بالاتر باشد، انزوای اجتماعی نیز بیشتر خواهد بود. اضطراب و به تبع آن انزوا، در بین دختران بیشتر از پسران است.	پیمایش	پیراسته‌مطلق، پیراسته‌مطلق و پیشرو نصرآبادسفلی (۱۳۹۱)
میانگین نمره بیگانگی اجتماعی نمونه آماری، برابر با ۴۴/۹ و در حد متوسط است. رابطه بین محل سکونت، سن و دین‌داری با بیگانگی اجتماعی، معنادار نبوده، در حالی که رابطه بین جنسیت و پایگاه اقتصادی-اجتماعی با بیگانگی اجتماعی، معنادار است.	پیمایش	کلانتری، بشیری گیوی و غلامی شاهسواری (۱۳۹۱)
بین بیگانگی اجتماعی و میزان مشارکت سیاسی دانشجویان رابطه معناداری وجود ندارد. بین مؤلفه‌های بیگانگی، تنها احساس انزوای اجتماعی با میزان مشارکت سیاسی رابطه معناداری وجود دارد.	پیمایش	علمی، تقی‌لو و موسی‌زاده (۱۳۹۲)
بین جنسیت، اعتماد اجتماعی و استفاده از اینترنت با انزوای اجتماعی، رابطه مستقیم و معنادار وجود دارد، ولی رابطه پایگاه اجتماعی-اقتصادی با انزوای اجتماعی، معنادار نبود.	پیمایش	حقیقتیان (۱۳۹۲)
بین استفاده اجتماعی از اینترنت، وضعیت استفاده از اینترنت (میزان ساعات استفاده از اینترنت در روز) و متغیرهای زمینه‌ای با انزوای اجتماعی، رابطه معناداری وجود دارد.	پیمایش	ربیعی و محمدزاده‌یزدی (۱۳۹۲)
بین ابعاد انزوای اجتماعی با خشونت خانگی والدین نسبت به فرزندان رابطه معناداری وجود دارد. بین انزوای اجتماعی با ابعاد خشونت خانگی (جسمی، عاطفی، غفلت) والدین نسبت به فرزندان رابطه معناداری وجود دارد.	پیمایش	یعقوبی‌دوست (۱۳۹۲)
میزان بیگانگی اجتماعی در بین جوانان بالاست. از بین عوامل مورد مطالعه، نارضایتی اجتماعی و فردگرایی بیشترین سهم را در افزایش بیگانگی و انزوای اجتماعی به خود اختصاص داده‌اند.	پیمایش	ابراهیمی‌لویه، صحبتی‌ها و رضایی‌زاده (۱۳۹۳)
استفاده از اینترنت با بتای ۰/۲۸ تأثیر مستقیم بر انزوای اجتماعی استفاده‌کنندگان دارد.	پیمایش	مصطفوی کهنگی (۱۳۹۳)
بین مدت زمان عضویت، میزان استفاده، میزان مشارکت و فعالیت، استفاده هدفمند از فیس‌بوک و انزوای اجتماعی، رابطه معکوس و معناداری وجود دارد، اما بین استفاده غیرهدفمند از فیس‌بوک و انزوای اجتماعی، همبستگی مستقیم و معناداری وجود دارد.	پیمایش	رسول‌زاده‌اقدام و دیگران (۱۳۹۳)
بین بیگانگی اجتماعی و مؤلفه‌های آن بویژه انزوای اجتماعی با بی‌تفاوتی اجتماعی دانشجویان، رابطه وجود دارد. رگرسیون چندگانه نشان می‌دهد که مؤلفه‌های بیگانگی	پیمایش	فولادیان (۱۳۹۴)

اجتماعی به تنهایی ۴۰٪ از کل تغییرات متغیر بی تفاوتی اجتماعی را توجیه می‌کند.		
میزان بیگانگی اجتماعی در بین گروه شاغلان اداری و دفتری و نیز در میان افراد دارای تحصیلات کمتر در سطح بالایی قرار دارد. بین اعتماد اجتماعی و رضایت اجتماعی با بیگانگی اجتماعی، رابطه معناداری وجود دارد.	پیمایش	رضایی، بساطیان و جعفریان (۱۳۹۴)
بین سن و وضعیت تأهل با بیگانگی اجتماعی، تفاوت معناداری وجود دارد، اما بین جنسیت و پایگاه اقتصادی- اجتماعی با بیگانگی اجتماعی، تفاوت معناداری وجود ندارد.	پیمایش	محمدی، قهرمان و فتاحی (۱۳۹۴)
مردان مجرد اغلب نسبت به زنان مجرد، به انزوای اجتماعی بیشتری دچار می‌شوند، چرا که مردان، نیازهای عاطفی خود را اغلب در ارتباط با شرکای جنسی‌شان ارضاء می‌کنند، ولی زنان این نیاز را در ارتباط با شبکه اجتماعی، دوستان و آشنایان خود تأمین می‌کنند.	پیمایش	Vandervoort (2000)
میزان انزوای اجتماعی با توجه به سطح فردی ویژگی‌های پاسخ‌دهنده، ترکیب شبکه اجتماعی و برخی از انواع مشارکت سازمانی با فقر محله، مرتبط است.	پیمایش	Bruce & Quane (2000)
۲۴٪ از افراد نمونه تحقیق - که از آمریکاییان بالغ و در سطح ملی انتخاب شدند- دچار بیگانگی و انزوای اجتماعی بودند. همین نسبت در میان پاسخ‌گویان سیاه‌پوست ۳۴٪ بود.	پیمایش	Heriss (2006)
نتایج تحقیق حاکی از آن است که عوامل چون فردیت، هتک شخصیت و مشغله فکری افراد بر انزوای اجتماعی، تأثیر دارند.	پیمایش	Fridenberg (2008)
استفاده از فناوری‌های نوین اطلاعاتی و ارتباطی هم‌چون تلفن همراه و اینترنت، باعث انزوای اجتماعی نمی‌شوند، بلکه این فناوری‌ها باعث درگیری یا مشارکت اجتماعی بیشتر می‌شوند.	پیمایش	Hamptont, etal (2009)
انزوای اجتماعی در میان گروه‌های مختلف سنی متفاوت نیست، اما افراد پیرتر احساس انزوای بیشتری نسبت به افراد جوان‌تر دارند.	پیمایش	York & Waite (2009)

ملاحظات نظری

برگر (Beckford, 1992: 9) به‌عنوان یک جامعه‌شناس دینی معتقد است «دین در طول زمان از بین نرفته و نخواهد رفت و این به‌خاطر کارکرد معنادهی است که دین همیشه آن را به عهده داشته است. از نظر وی، دین یکی از مهم‌ترین اشکال نظام معنایی است که جهان بیرونی را در نظمی مشخص معنا می‌کند و آن را برای تفسیر جهان بیرونی به مؤمنان القاء می‌کند». دغدغه اصلی دورکیم، از بین بردن بی‌هنجاری^۱ در جامعه و برقراری نظم بود، از این‌رو، همواره در تحلیل‌های

1. Anomie

اجتماعی خود به پدیده‌ای انسجام‌بخش و پیوند دهنده می‌اندیشید. بنابراین می‌توان جامعه‌شناسی دین و تبیین او درباره نقش دین در جامعه، به‌عنوان بخشی از دستگاه نظری وی در حذف بی‌هنجاری قلمداد کرد. دورکیم در صور ابتدایی حیات دینی، نشان می‌دهد دین یک پدیده اجتماعی است و در زمینه اجتماعی تکامل می‌یابد. زمانی که انسان‌ها اشیای مقدس را می‌ستایند، در واقع، به‌طور ناخودآگاه قدرت جامعه خود را مورد ستایش قرار می‌دهند. این قدرت چندان از وجود بشر فراتر می‌رود که برای متصور ساختن آن باید معنای مقدس به آن بخشد (کوزر، ۱۳۷۲: ۱۹۱؛ دورکیم، ۱۳۸۴: ۱۲۳-۱۲۴). دورکیم معتقد است مشارکت در امور گروهی و یا جامعه می‌تواند منجر به افزایش احساس تعلق به گروه و یا جامعه شود، زیرا زمانی که افراد تماس‌های مکرر و گسترده با یکدیگر داشته باشند، دل‌مشغولی‌ها، منافع مشترک و پیوندهای عاطفی، آنها را به یکدیگر نزدیک می‌کند و احساس تعلق ناشی از این پیوندها باعث می‌شود نه تنها اعتماد اجتماعی در بین افراد جامعه افزایش یافته، بلکه موجب کاهش میزان انزوای اجتماعی خواهد شد. در نتیجه، می‌توان شاهد این بود که آنها از خودشان برای گروه و یا جامعه مایه بگذارند (Ritzer, 2011: 95). بنابراین دین در پیوند اعضای جامعه و همبستگی اجتماعی کارکرد مثبتی دارد.

توماس آدی (Thomas oddy, 1966؛ به نقل از توسلی، ۱۳۸۰: ۱۴۱) نیز با طرح شش کارکرد عمده دین (حمایتی، کششی، هویت‌بخشی، رشددهی، هنجاری و مشروعیت‌بخشی و پیامبرانه) به چگونگی اثرات آن در کاهش بیگانگی و انزوای اجتماعی اشاره می‌کند. چنان‌که ملاحظه می‌شود، چهار مورد از موارد نامبرده، به‌کار ویژگی‌های دین در انطباق فردی و شکل‌دهی به هویت افراد محسوب می‌شود که هر یک به نحوی در جذب فرد در نظام اجتماعی مؤثر است. کارکرد پنجم به کارکرد اجتماعی دین در هنجاربخشی و مشروعیت‌بخشی به هنجارها (نظارت اجتماعی) ارتباط می‌یابد. دین با تقدیس بخشی هنجارها، نظم اجتماعی را مشروعیت می‌بخشد و اهداف گروهی را بر خواسته‌های فردی اولویت می‌نهد. از این طریق دین می‌تواند مانع از انزوای اجتماعی و جدایی فرد از ارزش‌های آن شود. دسته آخر نیز به کارکرد انقلابی و پیامبرانه دین اختصاص دارد که عامل انسجام درون‌گروهی و در عین حال تغییر و دگرگونی اجتماعی است. در عین حال، توماس آدی تأکید می‌کند که دین دست کم با تکیه بر کارکردهای حمایتی و هنجاربخشی می‌تواند عاملی برای انزوا و

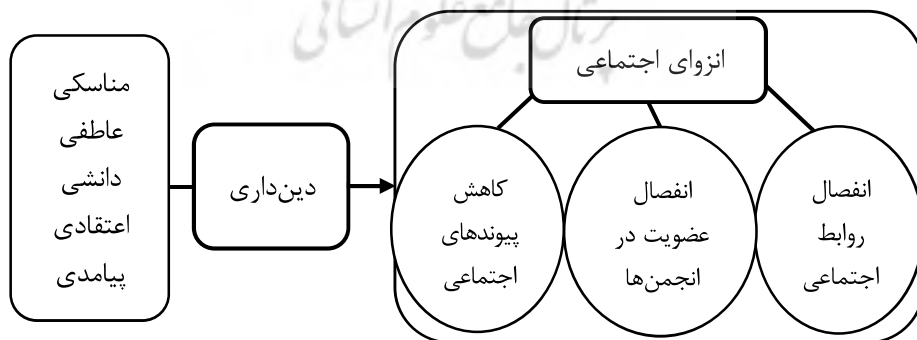
بیگانگی فرد از خود و جامعه باشد.

یینگر (Yinger, 1977: 68)، نظریه پرداز مشهور و جامعه‌شناس دین، از زاویه‌ای دیگر به نقش دین در کاهش انزوای اجتماعی اشاره می‌کند. از نظر وی، دین که برای کاهش اضطراب و حل مسائل معناشناسی بشر آمده، عامل اصلی خلق ارزش‌ها و هنجارهای عملی برای معنایابی است. به‌زعم وی، عضویت در گروه‌های دینی می‌تواند هویت ثابت و مشخصی را برای افراد پدید آورد که در مقایسه با سایر گروه‌های صنفی، کمتر ابزاری و آنی بوده و می‌تواند روابط مداوم، ثابت، غیر حسابگرانه و هنجاری را برای افراد به ارمغان آورد (Robertson, 1978: 308). بدین ترتیب وی معتقد است دین در گروه‌های دینی کارکرد انسجام‌بخشی و مشروعیت‌دهی به هنجارهای گروهی را به بار خواهد آورد. در واقع، کارکرد ادیان مختلف در برآوردن نیاز طبیعی بشر، معنابخشی و تعریف جایگاه فرد در نظام هستی می‌تواند از طریق عضویت فرد در نظام‌های گروهی و مشارکت در هنجارهای آن به شکل قوی‌تری برای وی درآید. «به نظر می‌رسد که ادیان خاص را باید بیان نمادین مشروعیت‌های گروه معینی تلقی کرد و این ادیان باید بتوانند به مسائل اخلاقی و متافیزیکی که برای افراد مطرح می‌شود، پاسخ دهند» (توسلی، ۱۳۸۰: ۱۰۵). در واقع، به دلیل تعلق فرد به گروه و پایبندی وی به آن، کارکرد معنابخشی دین تقویت شده و فرد به دلیل پایبندی به گروه دینی، به میزان بیشتری به معرفت‌بخشی دین مربوطه ایمان می‌آورد. هر نظام دینی علی‌رغم ویژگی تضاد با سایر ادیان و دیگر نظام‌های نظری، انسجام درون‌گروهی را می‌توان افزایش داده و موجبات پایبندی افراد به هنجارها و ارزش‌های گروهی را فراهم آورد (Robertson, 1978: 306). در اینجا رویکرد یینگر در خصوص ویژگی تضادگری و انسجام‌بخشی دین کاملاً به مقصود ما نزدیک می‌شود. در واقع، دین با توجه به ویژگی ایدئولوژیک آن، افراد را در مقوله‌های متفاوت (مؤمن - ملحد) جای می‌دهد و از این طریق دسته‌بندی خودی - بیگانه را پدید می‌آورد. از این رهگذر، چنانچه یینگر به درستی اشاره می‌کند که دین، عاملی برای گسترش انسجام درون‌گروهی و بروز تضاد با گروه‌های غیرخودی است. دین با معنابخشی به زندگی پیروان، انسجام درون‌گروهی را افزایش داده و با تکیه بر قدرت انسجام درون‌گروهی، بر میزان مشروعیت کارکرد معنایابی آن افزوده می‌شود. یینگر با رویکردی جامعه‌شناختی به پدیده دین و نقش آن در برقراری دو نیاز اساسی (معنایابی و هنجارمندی) اشاره

دارد. تأکید وی بر نقش تبیین‌های دینی در حل بحران معنا، آن را به سمت مسئله هنجارهای گروهی و مشروعیت ارزش‌های جمعی سوق می‌دهد. از آنجا که دین عاملی مؤثر در جهت‌ارائه تبیین‌هایی برای درک جهان و حل مسائل غایی بشری است، می‌تواند میان پیروان آن، یک وحدت رویه و انسجام عقیدتی فراهم آورد که خود منجر به تشکیل گروه‌های دینی ملتزم به دین مذکور گردد. این گروه‌ها تنها در صورتی مشروعیت بیشتری می‌یابند که بتوانند اعضا را در پذیرش تبیین‌های معناشناختی دین ترغیب کنند. به همین ترتیب، هر چه اعضای گروه نسبت به دین مذکور ایمان و التزام بیشتری داشته باشند، به همان نسبت تبیین‌های دینی در مشروعیت‌بخشی به گروه دینی نیز بیشتر در افراد مؤثر خواهد افتاد. از این‌رو در نظر یی‌نگر، انسجام اجتماعی و پذیرش هنجارها و ارزش‌های اجتماعی با تکیه بر نقش دین قابل تبیین می‌گردد. در اینجا نیز همانند دیدگاه دورکیم در باب دین و نقش آن در کاهش بیگانگی، انزوای اجتماعی، افزایش انسجام اجتماعی و پیوند گروهی مواجه می‌شویم. یی‌نگر با پیوند میان بُعد معنایی دین و مشروعیت‌بخشی هنجاری آن بر گروه دینی، در واقع برای حل مشکل بیگانگی اجتماعی چاره‌ای می‌اندیشد و آن چیزی جز دین و التزام دینی نیست.

مدل تحلیلی تحقیق

بعد از ارائه چارچوب نظری در جمع‌بندی و به‌عنوان مدل مفهومی تحقیق، لازم به ذکر است که در این طرح جهت معرفت‌سازی شاخص انزوای اجتماعی، از نظریه دورکیم، آدی، یی‌نگر، برگر، استارک و بین‌بریچ استفاده شده است که در نمودار ۱ نمایش داده شده است.



نمودار ۱) مدل مفهومی تحقیق

فرضیات تحقیق

تحقیق حاضر دارای یک فرضیه اصلی و پنج فرضیه فرعی است.

فرضیه اصلی

بین میزان دین‌داری و انزوای اجتماعی رابطه وجود دارد.

فرضیات فرعی

- بین بُعد مناسکی دین‌داری با میزان انزوای اجتماعی، رابطه وجود دارد.
- بین بُعد اعتقادی دین‌داری با میزان انزوای اجتماعی، رابطه وجود دارد.
- بین بُعد عاطفی دین‌داری با میزان انزوای اجتماعی، رابطه وجود دارد.
- بین بُعد دانشی دین‌داری با میزان انزوای اجتماعی، رابطه وجود دارد.
- بین بُعد پیامدی دین‌داری با میزان انزوای اجتماعی، رابطه وجود دارد.

روش و داده‌های مطالعه

مطالعه حاضر، به لحاظ اجرا از نوع پیمایشی؛ به لحاظ معیار زمان، مقطعی؛ به لحاظ معیار کاربرد، کاربردی و به لحاظ معیار ژرفایی، پهنانگر است. جمعیت آماری تحقیق، کلیه افراد ۱۵ ساله و بیشتر شهر مشهد در زمان مطالعه تشکیل می‌دهند که براساس برآوردهای جمعیتی از سرشماری سال ۱۳۹۰، تعداد کل آنها ۲۳۱۸۸۰۳ نفر بوده است. برای برآورد حجم نمونه ابتدا یک مطالعه مقدماتی روی ۳۰ نفر از افراد جامعه آماری انجام شد، تا پراکندگی صفات مورد مطالعه محاسبه شود و سپس با استفاده از فرمول کوکران^۱ با سطح اطمینان ۹۵٪ و دقت احتمالی ۵٪، حجم نمونه ۳۲۳ نفر مشخص شد. روش نمونه‌گیری در این تحقیق، خوشه‌ای چندمرحله‌ای^۲ بوده است.

ابزار مورد استفاده در این مطالعه، پرسشنامه بود. پرسشنامه پس از احراز اعتبار^۳ و پایایی^۴ آن، در مراحل مقدماتی تحقیق - برای جمع‌آوری داده‌های مورد نیاز - در مرحله نهایی مورد

1. Cochran
2. Multistage Cluster Sampling
3. Validity
4. Reliability

استفاده قرار گرفت. به همین منظور، ابتدا سعی شد گویه‌هایی که متغیرهای تحقیق را می‌سنجند، یا از گویه‌های تحقیق‌های پیشین استخراج شوند و یا برای انتخاب بهترین گویه‌ها، از نظرات محققین و استادان دیگر کمک گرفته شود. سپس یک بار دیگر پرسشنامه تدوین شده به استادان و متخصصان نشان داده شد و از نظرات آنها برای تصحیح پرسشنامه استفاده شد. بنابراین اعتبار تحقیق حاضر از نوع محتوایی^۱ است. برای سنجش پایایی نیز از ضریب آلفای کرونباخ استفاده شد که در تعریف عملیاتی متغیرها به آن اشاره شده است.

سنجش انزوای اجتماعی

تعریف نظری: منظور، احساس تنهایی عاطفی و اجتماعی است. فردی دچار تنهایی عاطفی است که از روابط و وابستگی‌های شخصی خود با دیگران ناراضی باشد و کسی را نداشته باشد که برای مهرورزی به او تکیه کند. تنهایی اجتماعی در نتیجه احساس عدم عضویت در یک گروه و نداشتن فعالیت‌های مشترک با دیگران ایجاد می‌شود (کلینکه، ۱۳۸۴: ۶۵).

تعریف عملیاتی: دو نمونه تنهایی وجود دارد. وایس (Weiss, 1973) بین احساس تنهایی عاطفی، ناشی از عدم وجود رابطه صمیمی یا یک دل‌بستگی عاطفی نزدیک (به‌عنوان مثال، یک شریک یا بهترین دوست) و تنهایی اجتماعی ناشی از عدم وجود گروه وسیع‌تری از مخاطبان و یا شبکه‌های اجتماعی (به‌عنوان مثال، دوستان، همکاران و مردم محله)، تفاوت قائل است. تنهایی عاطفی به‌عنوان مثال، در هنگامی که یک زندگی مشترک به وسیله طلاق به انتها می‌رسد، به‌وجود می‌آید و با احساس پوچی، رهاسازی و دل‌کندن مشخص می‌شود. هم‌چنین افراد جوان که به یک محله تازه وارد می‌شوند، مثالی از تنهایی اجتماعی هستند.

دو مقیاس قابل اعتماد و معتبر تنهایی در بسیاری از پروژه‌های تحقیقاتی استفاده شده است (Pinquart & Sörensen, 2001). اولین مقیاس تنهایی UCLA نام دارد (Russell, Peplau & Cutrona, 1980) که متشکل از ۲۰ سؤال، و نسخه کوتاه‌تر آن، مقیاس تنهایی UCLA سه

موردی است (Hughes, Adrews & Boonc, 2004). دومین مقیاس توسعه یافته توسط دی یونگ گیرولد، کمفیوس و تیلبرگ (De Jong Gierveld & Kamphuis, 1985)؛ De Jong (1999) بیان شده است و متشکل از ۱۱ گویه است. مقیاس تنهایی دی یونگ گیرولد در آغاز در سال ۱۹۸۰ بیان شد. مفهوم پدیده تنهایی و اندازه گیری آن، از طریق مثلث بندی و یک روش گام به گام از مرحله کیفی تحقیقات و بررسی مطالعات، توسط دی یونگ گیرولد و کمفیوس (De Jong Gierveld, & Kamphuis, 1985) و دی یونگ گیرولد (De Jong, & Tilburg, 1999) طرح شد. مقیاس تنهایی دی یونگ گیرولد می تواند به عنوان مقیاس تنهایی یک بُعدی استفاده شود، اما مقیاس ها با تفاوت بین تنهایی اجتماعی و عاطفی که در مطالعات وایس (Weiss, 1973) بیان شد، بسط داده شدند. به همین دلیل، با توجه به سؤال پژوهش محققان می توانند به طور کلی تنهایی را با ۱۱ سؤال، تنهایی عاطفی را به شش سؤال و تنهایی اجتماعی را با پنج سؤال که در جدول ۲ آمده بسنجند.

اعتبار و قابل اعتماد بودن مقیاس تنهایی دی یونگ گیرولد برای تنهایی عاطفی و اجتماعی به اثبات رسیده است. جهت صحت روایی و پایایی از روش دو نیم کردن استفاده شده است. در پژوهش حاضر نیز میزان آلفا برای سازه انزوای اجتماعی ۰/۷۲۰ به دست آمده است که نشان گر پایایی مطلوب ابزار است.

جدول ۲) مقیاس تنهایی دی یونگ گیرولد

زیرمقیاس تنهایی اجتماعی	زیرمقیاس تنهایی عاطفی	
*		۱- همیشه کسی وجود دارد که می توانم در مورد مشکلات روزمره ام با او صحبت کنم.
	*	۲- دلم برای داشتن یک دوست نزدیک تنگ شده است.
	*	۳- بوجی را به معنای واقعی کلمه تجربه کردم.
*		۴- تعداد زیادی از افراد هستند که می توانم هنگام مشکلات به آنها تکیه کنم.

	*	۵- دلم برای لذت مصاحبت با دیگران تنگ شده است.
	*	۶- دایره دوستان و آشنایان من خیلی محدود است.
*		۷- تعداد زیادی از افراد هستند که می‌توانم کاملاً به آنها اعتماد کنم.
*		۸- به اندازه کافی افرادی هستند که می‌توانم خودم را به آنها نزدیک احساس کنم.
	*	۹- دلم برای دیدن دوستان و اطرافیانم، تنگ شده است.
	*	۱۰- اغلب احساس طرد شدن می‌کنم.
*		۱۱- می‌توانم هر موقع که به دوستانم نیاز دارم، با آنها تماس بگیرم.

سنجش دین‌داری

تعریف نظری: تعاریف متعدد دین^۱ خود گواهی بر مشکل بودن ارائه تعریف دین است. از نظر لغوی، دین از ریشه اوستایی "دئنا" به معنی نفس و ذات و وجدان و در عربی به معنی اطاعت، کیش، آئین و داوری است. هم‌چنین دین در لغت به معنای قید و بند، الزام، تعهد، تکریم، تقدیس، شریعت (علیزاده، ۱۳۷۷: ۴۴) و یا مذهب، ورع، اطاعت و پاداش است (عمید، ذیل "دین"). دین‌داری عبارت است از «مجموعه شناخت‌ها، احساس‌ها و تمایلات نسبتاً پایدار و مثبت نسبت به دین که در وضعیت عادی، طبیعی، اجتماعی و روانی در فرد وجود داشته باشد و در کنش‌های وی نسبت به نیروی جذاب (خداوند) جهان، خود، جامعه و تاریخ به ظهور برسد» (حشمت‌یغمایی، ۱۳۸۰: ۱۹۰). در تحقیق حاضر، تعریف زیر پذیرفته شده است: «دین‌داری عبارت خواهد بود از پذیرش تمام یا بخشی از عقاید، اخلاقیات و احکام دینی به نحوی که شخص دین‌دار خود را ملزم به تبعیت و رعایت از مجموعه بداند» (افشانی، ۱۳۸۵: ۱۰۵).

تعریف عملیاتی: گلاک و استارک^۲ با توجه به تناقض‌های نتایج تحقیقاتی که پیرامون دین‌داری انجام شده بود، کوشیدند ویژگی‌هایی را از میان این پژوهش‌ها برگزینند تا

1. Religion

2. Glock and Stark

براساس آن، یک مفهوم عملیاتی مشخص برای دین‌داری بسازند. به عقیده این دو محقق، علی‌رغم این‌که در ادیان تفاوت‌هایی وجود دارد، لیکن وجوه مشترکی را بین آنها می‌توان یافت. این عرصه‌ها، ابعاد اصلی دین‌داری را تشکیل می‌دهند و عبارتند از: ابعاد اعتقادی، مناسکی، پیامدی، عاطفی و فکری.

- **بُعد تجربی^۱ یا عواطف دینی:** عبارت از تصورات و احساساتی است که مربوط به داشتن رابطه با جوهری ربوبی هم‌چون خدا یا واقعیتی غایی و یا اقتداری متعالی است.

- **بُعد مناسکی^۲:** شامل اعمال دینی مشخص هم‌چون نماز، روزه و شرکت در آئین‌های مذهبی است که انتظار می‌رود پیروان هر دینی آنها را به‌جای آورند و بُعد پرستش و دعا شامل اعمال خصوصی و فردی است که فرد با رضایت خاطر و بدون اجبار انجام می‌دهد.

- **بُعد اعتقادی و باورهای دینی^۳:** که عبارت است از باورهایی که انتظار می‌رود پیروان دین مورد نظر، به آنها اعتقاد داشته باشند. در واقع، باورهای دینی عبارتند از نوعی ادراک فردی برخاسته از معرفت دینی که به فرد بینش خاصی نسبت به حقانیت اصول دینی می‌دهد.

- **بُعد فکری یا دانش دینی^۴** که مشتمل بر اطلاعات و دانسته‌های مبنایی در مورد معتقدات هر دین است که پیروان هر دین باید آنها را بدانند و در واقع، شامل حداقل شناخت از اصول، فروع، سنت‌ها و تاریخ دین است به نحوی که فرد خود را ملزم به انجام اعمال دینی دانسته و یا حداقل به آن گرایش یابد.

- **بُعد پیامدی^۵ یا آثار دینی:** که ناظر به اثرات باورها، اعمال، تجارب و دانش دینی بر زندگی روزمره است. به‌عبارت دیگر، تأثیر و انعکاس دین در رفتارهای روزمره‌ی زندگی است.

برخی از پژوهشگران که دین‌داری یا موضوعات مرتبط با آن را در ایران مورد بررسی قرار داده‌اند، کوشیده‌اند تا ابعاد دین‌داری مدل یاد شده را بر اسلام منطبق کنند. از آن‌جا که پژوهشگران در مورد

-
1. Experience
 2. Characters
 3. Beliefs
 4. Religious Knowledge
 5. Consequences

چندبعدی بودن دین‌داری به دیدگاه واحدی نزدیک می‌شوند و هم‌چنین مزیت نسبی مدل گلاک و استارک مورد تأیید برخی از صاحب‌نظران قرار گرفته است و بعضی پژوهش‌های مربوط به دین‌داری در ایران نیز بر اساس آن انجام شده، در پژوهش حاضر نیز سعی بر این است که برای سنجش دین‌داری مدل یاد شده، مورد استفاده قرار گیرد و بدین منظور، ابعاد این مدل با دین اسلام تطبیق داده شده است.

بر مبنای برخی از شاخص‌های مناسب جهت سنجش دین‌داری مسلمانان، جمعاً ۲۴ گویه طراحی شده است که ابعاد اعتقادی، پیامدی، عاطفی، و مناسکی هر کدام پنج گویه و بعد دانشی چهار گویه دارد. این گویه‌ها قبلاً توسط افشانی و دیگران (۱۳۸۹) استفاده شده است.

یافته‌های تحقیق

اطلاعات توصیفی مربوط به آزمودنی‌های پژوهش حاضر، در جدول ۳ نشان داده شده است. از مجموع ۳۲۳ پاسخگوی این تحقیق، ۴۷/۷٪ را مردان و ۵۲/۳٪ را زنان تشکیل داده‌اند. اکثر این افراد، متأهل و غیر شاغل بوده‌اند. جوان‌ترین پاسخگوی تحقیق، ۱۵ سال و مسن‌ترین آنها ۶۳ سال سن داشته‌اند.

جدول ۳) توزیع ویژگی‌های پاسخگویان

جنس	درصد	وضعیت تاهل	درصد	وضعیت اشتغال	درصد
مرد	۴۷/۷	مجرد	۳۹/۳	غیر شاغل	۵۰/۲
زن	۵۲/۳	متاهل	۵۷/۹	شاغل	۴۶/۷

سن	آماره	تحصیلات	آماره	درآمد ماهیانه خانواده (تومان)	درصد
کمترین	۱۵	کمترین	۰	کمتر از ۵۰۰ هزار	۴/۳
بیشترین	۶۳	بیشترین	۲۶	۵۰۰ هزار تا یک میلیون	۲۰/۱
میانگین	۳۲/۸۸	میانگین	۱۴/۴۱	یک تا یک و نیم میلیون	۲۰/۷

۲۲/۹	یک و نیم تا دو میلیون	۳/۱۴	انحراف معیار	۱۱/۰۸۲	انحراف معیار
۲۷/۲	بیش از دو میلیون	۲۶	دامنه تغییرات	۴۸	دامنه تغییرات

میانگین سواد افراد نیز در حد فوق دیپلم (۱۴/۴۱) بوده است و از نظر درآمدی نیز بیشترین پاسخها (۲۷/۲) در گروه بیش از دو میلیون تومان قرار داشته‌اند.

جدول ۴) آماره‌های توصیفی انزوای اجتماعی و ابعاد آن

حداکثر نمره	حداقل نمره	دامنه تغییرات	انحراف معیار	میانگین	امتیاز نظری	ابعاد
۲۷	۶	۲۱	۳/۳۹۵	۱۶/۸۶	۶-۳۰	تنهایی عاطفی
۲۳	۵	۱۸	۳/۸۲۵	۱۲/۲۸	۵-۲۵	تنهایی اجتماعی
۴۹	۱۴	۳۵	۶/۰۱۱	۲۹/۱۵	۱۱-۵۵	انزوای اجتماعی (شاخص کل)

در جدول ۴، حداقل و حداکثر نمره، دامنه تغییرات، میانگین و انحراف معیار انزوای اجتماعی به تفکیک ابعاد آورده شده است. یافته‌ها نشان می‌دهد میانگین شاخص کلی انزوای اجتماعی ۲۹/۱۵ و کمترین و بیشترین مقدار آن ۱۴ و ۴۹ است. بنابراین به‌طور کلی میانگین انزوای اجتماعی در میان شهروندان شهر مشهد، کمی پایین‌تر از حد متوسط (۳۳) است.

جدول ۵) آماره‌های توصیفی دین‌داری و ابعاد آن

حداکثر نمره	حداقل نمره	دامنه تغییرات	انحراف معیار	میانگین	امتیاز نظری	ابعاد
۲۵	۱۱	۱۴	۳/۴۱۶	۲۲/۲۵	۵-۲۵	عاطفی
۲۱	۵	۱۶	۳/۵۸۶	۱۱/۶۱	۵-۲۵	مناسکی
۲۵	۹	۱۶	۳/۵۹۱	۲۱/۷۳	۵-۲۵	اعتقادی
۲۰	۴	۱۶	۳/۱۲۵	۱۱/۶۴	۴-۲۰	دانشی
۲۵	۷	۱۸	۳/۸۳۲	۱۹/۳۶	۵-۲۵	پیامدی
۱۱۳	۴۲	۷۱	۱۳/۳۹۳	۸۶/۶۱	۲۴-۱۲۰	دین‌داری (شاخص کل)

در جدول ۵، حداقل و حداکثر نمره، دامنه تغییرات، میانگین و انحراف معیار متغیر دین‌داری به تفکیک ابعاد آورده شده است. یافته‌ها نشان می‌دهد میانگین شاخص کلی دین‌داری ۸۶/۶۱ و

کمترین و بیشترین مقدار آن ۴۲ و ۱۱۳ است. بنابراین به‌طور کلی میانگین دین‌داری در میان شهروندان شهر مشهد، بیش از حد متوسط (۷۲) است.

برای پاسخ به این سؤال که «میزان دین‌داری شهروندان شهر مشهد چگونه است؟» از آزمون تی تک‌نمونه‌ای استفاده شد. برای سنجش میزان دین‌داری در پاسخگویان شهر مشهد، ۲۴ گویه در پرسشنامه گنجانده شد. با توجه به این که هر گویه پنج گزینه‌ای بود، کمترین امتیاز پاسخگویان از مجموع گویه‌ها ۲۴ و حداکثر ۱۲۰ خواهد شد. عدد ۷۲ به‌عنوان حد وسط دامنه مزبور انتخاب شد. اختلاف معنادار از ۷۲ به بالا، نشان دهنده بالاتر بودن میزان دین‌داری پاسخگویان از حد متوسط می‌باشد. هم‌چنین اختلاف معنادار از ۷۲ به پایین، نشان دهنده پایین‌تر بودن میزان دین‌داری پاسخگویان از حد متوسط می‌باشد. خروجی آزمون تی (t) که در جدول ۵ منعکس شده است، نشان داد که میانگین نمره میزان دین‌داری در نمونه مورد مطالعه، برابر با ۸۶/۶۱ شده است. هم‌چنین اندازه تی (t) برابر ۱۹/۵۷۲ و سطح معناداری (sig=۰/۰۰۱) از ۰/۰۵ کمتر شده است، یعنی به‌طور معناداری میانگین میزان دین‌داری بیشتر از ۷۲ بوده است. بنابراین در مجموع، میزان دین‌داری پاسخگویان بیشتر از حد متوسط (۷۲) بوده است.

جدول ۶) خروجی آزمون تی تک‌نمونه‌ای برای بررسی وضعیت میزان دین‌داری و میزان انزوای اجتماعی

متغیر	میانگین	انحراف معیار	تی	سطح معناداری
میزان دین‌داری	۸۶/۶۱	۱۳/۳۹۳	۱۹/۵۷۲	۰/۰۰۱
میزان انزوای اجتماعی	۲۸/۹۰	۶/۰۱۱	-۱۲/۲۵۷	۰/۰۰۱

برای پاسخ به این سؤال که «میزان انزوای اجتماعی شهروندان شهر مشهد چگونه است؟» از آزمون تی تک‌نمونه‌ای استفاده شد. برای سنجش میزان انزوای اجتماعی در شهر مشهد ۱۱ گویه در پرسشنامه گنجانده شد. با توجه به این که هر ۱۱ گویه پنج گزینه‌ای بود، کمترین امتیاز پاسخگویان از مجموع گویه‌ها ۱۱ و حداکثر ۵۵ خواهد شد. عدد ۳۳ به‌عنوان حد وسط دامنه مزبور انتخاب شد. اختلاف معنادار از ۳۳ به بالا، نشان دهنده بالاتر بودن میزان انزوای اجتماعی پاسخگویان از حد متوسط می‌باشد. هم‌چنین

اختلاف معنادار از ۳۳ به پایین، نشان دهنده پایین تر بودن میزان انزوای اجتماعی پاسخگویان از حد متوسط می باشد. خروجی آزمون تی (t) که در جدول ۶ منعکس شده است، نشان داد که میانگین نمره میزان انزوای اجتماعی در نمونه مورد مطالعه برابر با ۲۸/۹۰ شده است. همچنین اندازه تی (t) برابر ۱۲/۲۵۷- و سطح معناداری (sig=۰/۰۰۱) از ۰/۰۵ کمتر شده است، یعنی به طور معناداری میانگین میزان انزوای اجتماعی کمتر از ۳۳ بوده است. بنابراین در مجموع، میزان انزوای اجتماعی پاسخگویان کمتر از حد متوسط (۳۳) بوده است.

جدول ۷) خروجی آزمون تی مستقل جهت مقایسه میزان انزوای اجتماعی و دین داری بر حسب وضعیت تأهل

متغیر	وضعیت تأهل	میانگین	انحراف معیار	تی	درجه آزادی	سطح معناداری
دین داری	متاهل	۸۹/۸۱	۱۲/۱۱۵	-۵/۵۲۵	۳۱۱	۰/۰۶۷
	مجرد	۸۱/۶۴	۱۳/۸۴۴			
انزوای اجتماعی	متاهل	۲۸/۳۴	۵/۹۱۱	۱/۹۹۷	۳۱۲	۰/۵۸۰
	مجرد	۲۹/۷۰	۵/۹۸۲			

همان طور که نتایج آزمون تی مستقل در جدول ۷ نشان می دهد، بین میانگین دین داری متأهلین و مجردین ساکن شهر مشهد تفاوت معناداری وجود ندارد ($P > 0/05$). همچنین بین میانگین انزوای اجتماعی متأهلین و مجردین ساکن شهر مشهد تفاوت معناداری وجود ندارد ($P > 0/05$).

جدول ۸) خروجی آزمون تی مستقل جهت مقایسه میزان انزوای اجتماعی و دین داری بر حسب جنسیت

متغیر	جنسیت	میانگین	انحراف معیار	تی	درجه آزادی	سطح معناداری
دین داری	مرد	۸۵/۱۴	۱۳/۷۱۵	-۱/۸۹۶	۳۲۰	۰/۳۳۳
	زن	۸۷/۹۶	۱۲/۹۸۷			
انزوای اجتماعی	مرد	۲۹/۴۰	۵/۸۵۷	۱/۴۳۴	۳۲۱	۰/۵۵۹
	زن	۲۸/۴۴	۶/۱۲۸			

همان‌طور که نتایج آزمون تی مستقل در جدول ۸ نشان می‌دهد، بین میانگین دین‌داری مردان و زنان ساکن شهر مشهد تفاوت معناداری وجود ندارد ($P > 0/05$). هم‌چنین بین میانگین انزوای اجتماعی زنان و مردان ساکن شهر مشهد تفاوت معناداری وجود ندارد ($P > 0/05$).

جدول ۹) ماتریس همبستگی بین متغیر دین‌داری با انزوای اجتماعی و ابعاد آن

متغیر	شاخص	انزوای عاطفی	تنهایی اجتماعی	انزوای اجتماعی
دین‌داری	ضریب همبستگی	-۰/۱۳۱	-۰/۱۵۴	-۰/۱۷۳
	سطح معناداری	۰/۰۲۲	۰/۰۰۶	۰/۰۰۲

چنان‌که در جدول ۹ مشاهده می‌گردد، سطح معناداری آزمون پیرسون ($sig=0/002$) حکایت از وجود همبستگی معکوس و معنادار بین متغیر دین‌داری و میزان انزوای اجتماعی دارد. هم‌چنین هر دو بُعد انزوای اجتماعی با متغیر دین‌داری، همبستگی معکوس و معناداری داشتند. بنابراین، یافته‌های پژوهش حاضر از فرضیه اصلی مبنی بر وجود همبستگی معنادار بین دین‌داری و میزان انزوای اجتماعی حمایت می‌کند.

جدول ۱۰) خروجی آزمون پیرسون برای بررسی رابطه ابعاد دین‌داری با انزوای اجتماعی

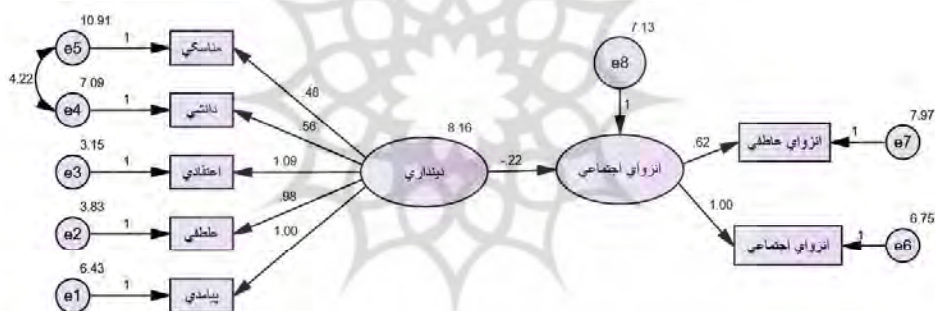
ابعاد دین‌داری	ضریب همبستگی	سطح معناداری
عاطفی	-۰/۱۳۹	۰/۰۱۲
مناسکی	-۰/۰۹۶	۰/۰۸۶
اعتقادی	-۰/۱۱۸	۰/۰۳۵
دانشی	-۰/۰۸۰	۰/۱۵۶
پیامدی	-۰/۲۱۵	۰/۰۰۱

براساس اطلاعات جدول ۱۰، بین میزان دین‌داری مناسکی و دانشی با انزوای اجتماعی، رابطه معناداری وجود ندارد، اما بین دین‌داری اعتقادی، پیامدی و عاطفی با انزوای اجتماعی، رابطه معکوس

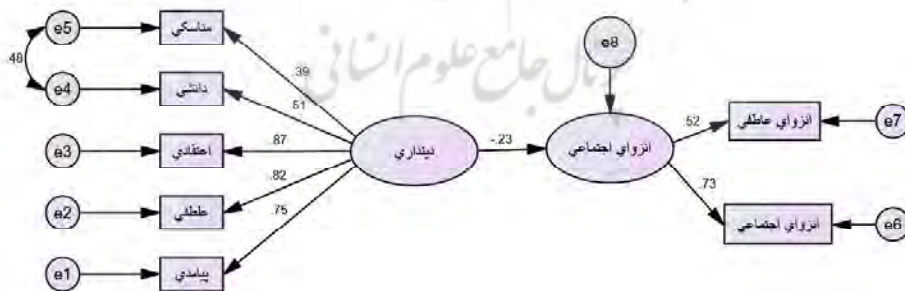
و معناداری وجود دارد. به عبارت دیگر، هر چه میزان دین‌داری اعتقادی، پیامدی و عاطفی افزایش پیدا کند، انزوای اجتماعی کاهش خواهد یافت. بنابراین از بین فرضیه‌های فرعی این تحقیق، فرضیه‌های اول و دوم تأیید نشد، اما فرضیه‌های سوم، چهارم و پنجم تأیید شد.

مدل‌سازی معادلات ساختاری

به منظور تعیین رابطه دین‌داری و انزوای اجتماعی از مدل‌یابی معادلات ساختاری استفاده شد. همان‌گونه که در نمودار ۲ و نمودار ۳ مشخص است، بعد اعتقادی مهم‌ترین مؤلفه متغیر مکنون دین‌داری است. مهم‌ترین مؤلفه متغیر انزوای اجتماعی نیز، بعد انزوای اجتماعی است. هم‌چنین تأثیر دین‌داری بر انزوای اجتماعی، منفی و معنادار است. به عبارت دیگر، هر چه دین‌داری فرد بیشتر باشد، انزوای اجتماعی او پایین‌تر است.



نمودار ۲) رابطه دین‌داری و انزوای اجتماعی (مدل در حالت غیراستاندارد)



نمودار ۳) رابطه دین‌داری و انزوای اجتماعی (مدل در حالت استاندارد)

در این پژوهش برای ارزیابی مدل از مشخصه‌های $cmin/df$ ، RMSEA، GFI، NFI، IFI و CFI استفاده شده است. شاخص $cmin/df$ فاقد یک معیار ثابت برای یک مدل قابل قبول است، اما مقدار کوچک $cmin/df$ دلالت بر برازش بهتر مدل دارد، معمولاً مقادیر کمتر از سه مطلوب فرض می‌شود. توصیه شده است از جذر برآورد واریانس خطای تقریب^۱ که به‌عنوان اندازه تفاوت برای هر درجه آزادی ارائه کرده است، استفاده شود. شاخص RMSEA برای مدل‌های خوب برابر با ۰/۰۸ یا کمتر است. مقادیر بالاتر از آن تا حد ۰/۱، نشان‌دهنده‌ی خطای معقولی برای تقریب در جامعه است. مدل‌هایی که RMSEA آنها ۰/۱۰ یا بیشتر باشد، برازش ضعیفی دارند. در برنامه ایموس^۲، شاخص برازندگی GFI نشان می‌دهد که مدل تا چه حد نسبت به عدم وجود آن، برازندگی بهتری دارد. بر پایه قرارداد، مقدار GFI، AGFI، NFI، IFI و CFI باید برابر یا بزرگتر از ۰/۹۰ باشد، تا مدل پذیرفته شود.

جدول ۱۱) شاخص‌های نیکویی برازش مدل

شاخص	Cmin	Df	$cmin/Df$	RMSEA	GFI	AGFI	CFI	NFI	IFI
مقدار	۳۵/۶۹۱	۱۲	۲/۹۷۴	۰/۰۷۸	۰/۹۷۲	۰/۹۳۴	۰/۹۶۷	۰/۹۵۲	۰/۹۶۸

با توجه به خروجی ایموس که در جدول ۱۱ ارائه شده، مقدار $cmin/df$ محاسبه شده ۲/۹۷۴ است. همچنین ریشه خطای میانگین مجذورات تقریب (RMosSEA) در مدل اصلاح شده برابر ۰/۰۷۸ است. میزان مولفه‌های GFI، AGFI، CFI، NFI و IFI نیز به ترتیب برابر ۰/۹۷۲، ۰/۹۳۴، ۰/۹۶۷، ۰/۹۵۲ و ۰/۹۶۸ است. بنابراین با توجه به شاخص‌ها و خروجی‌های نرم‌افزار ایموس و توضیحات ارائه شده در ابتدای این بحث، می‌توان گفت مدل از برازش مطلوبی برخوردار است.

بحث و نتیجه‌گیری

تحقیق حاضر به منظور بررسی رابطه میزان دین‌داری با میزان انزوای اجتماعی در شهر مشهد انجام شد. نتایج تحقیق حاضر نشان داد که بین میزان دین‌داری و میزان انزوای اجتماعی، رابطه معکوس و معناداری وجود دارد. در برخی تحقیقات دیگر نیز این نتیجه حاصل شده است

1. RMSEA
2. Amos

(بنی فاطمه و رسولی، ۱۳۹۰). هم‌چنین بین دین‌داری و ابعاد دوگانه انزوای اجتماعی (تنهایی عاطفی و تنهایی اجتماعی) نیز همبستگی معنادار وجود داشت. در باب تأثیر دین‌داری و مذهب بر انزوای اجتماعی، نظریه‌پردازان مختلفی سخن رانده‌اند. از جمله این صاحب‌نظران، استارک و بین‌بریج هستند که معتقدند علم قادر نیست وجود بشر را معنادار سازد. به عبارتی، افراد نمی‌توانند به شیوه علمی هویت خودشان را به دست آورند. از نظر مردم، تنها خداوند است که می‌تواند چنین کارهایی انجام دهد. به نظر این نظریه‌پردازان، جز خداوند که منشأ دین‌داری است، کسی نمی‌تواند به افراد معنا دهد. برگر نیز معتقد است کارکرد اصلی دین، معنادهی به افراد است. به عبارتی دیگر، دین یکی از مهم‌ترین اشکال نظام معنایی جهان به‌شمار می‌رود. یونگ و ویلسون نیز دین‌داری را یکی از عوامل مؤثر بی‌معنایی می‌دانند و معتقدند که دین‌داری پایین در یک جامعه، منجر به افزایش بی‌معنایی و در نتیجه کاهش انزوای اجتماعی را به همراه خواهد داشت. دورکیم و پوتنام از جمله مهم‌ترین صاحب‌نظرانی هستند که در باب دین‌داری و انزوای اجتماعی سخن گفته‌اند. آنها معتقد است که دین عاملی است برای پیوند اعضای جامعه و موجبات حفظ و تحکیم همبستگی و انسجام اجتماعی را فراهم و از این طریق، انزوای اجتماعی را کاهش می‌دهد. توماس آدی نیز با طرح کارکردهای دین، به چگونگی اثرات آن در کاهش انزوای اجتماعی اشاره می‌کند. وی معتقد است دین با تقدیس هنجارها (رسمی، غیررسمی)، نظم اجتماعی را مشروعیت می‌بخشد و اهداف گروهی را بر خواسته‌های فردی، اولویت می‌بخشد که از این طریق، دین مانعی برای افزایش انزوای اجتماعی محسوب خواهد شد. بینگر از جمله نظریه‌پرداز مشهور و جامعه‌شناس دین، معتقد است دین عاملی مؤثر در کاهش انزوای اجتماعی است. از نظر وی دین با ایجاد همبستگی و انسجام در گروه‌های دینی، کارکرد انسجام‌بخشی و مشروعیت‌بخشی به هنجارهای گروهی را به بار خواهد آورد که در نتیجه، این همبستگی و انسجام میزان انزوای اجتماعی، کاهش خواهد یافت. بنابراین همسو با نظریات استارک و بین‌بریج، برگر، یونگ و ویلسون، دورکیم، پوتنام، آدی و بینگر است که یافته‌های تحقیق حاضر نیز، نشان از همبستگی معکوس و معنادار میزان دین‌داری و میزان انزوای اجتماعی داشت. بنابراین هر چه روحیه مذهبی و اعتقاد دینی افراد بالاتر رود، آنها انزوای

اجتماعی کمتری را احساس خواهند کرد.

یافته‌های این تحقیق نشان داد بین سه بُعد از ابعاد دین‌داری (اعتقادی، عاطفی و پیامدی) رابطه مستقیم و معناداری با انزوای اجتماعی وجود دارد. در واقع، این نتیجه‌ای است که همسو با نظریات صاحب‌نظرانی چون دورکیم و پوتنام و همچنین تحقیقات پیشین بوده که نشان داد، دین‌داری می‌تواند در انسجام‌بخشی اجتماعی، تسهیل در جامعه‌پذیری و هنجارهای اجتماعی، تحکیم عواطف مشترک، تقویت پایه‌های کنترل اجتماعی، افزایش آرامش خاطر، تقویت روحیه گروهی، همکاری و تعاون، برقراری کنش‌های اجتماعی مبتنی بر اعتماد و صداقت و تقویت مشارکت فعالانه و نظایر آن نقش مؤثر و تعیین‌کننده‌ای ایفاء نماید. از آنجایی که ادیان از نشست‌های عمومی و از مراسم و مناسکی برخوردارند و باعث توسعه و شیوه همکاری و تعاون و آگاهی از مسائل اجتماعی می‌گردند و ادیانی که بیشتر از مراسم و مناسک عمومی برخوردارند، در افزایش شبکه‌های روابط و پیوندهای اجتماعی و کاهش انزوای اجتماعی، نقش بیشتری ایفاء می‌کنند. دین اسلام بویژه مذهب تشیع، به دلیل ماهیت جمعی فراوانی که دارد، می‌تواند نقش بسیار مهمی در کاهش انزوای اجتماعی ایفاء نماید. انواع مراسم و مناسک مذهبی که در ماه‌های مختلف سال و به مناسبت‌های مهم برگزار می‌گردد (شامل فعالیت‌های جمعی، مانند مراسم‌های مذهبی و نماز جماعت)، در نتیجه آن، شبکه روابط افراد گسترده‌تر شده و باعث ایجاد پیوندهای اجتماعی می‌گردد و از این طریق، میزان انزوای اجتماعی را کاهش می‌دهد و این یکی از مزایایی است که استفاده از این قابلیت می‌تواند در جهت افزایش پیوندهای اجتماعی و کاهش سطح انزوای اجتماعی عمل نماید.

از دیگر سو، اقدامات معقول و منطقی برای کاهش انزوای اجتماعی، افزایش میزان دین‌داری مناسکی است که به نظر می‌رسد نقش کلیدی در کاهش میزان انزوای اجتماعی داشته باشد. از آنجایی که مناسک و مراسم دینی، نقش تعیین‌کننده‌ای در کاهش میزان انزوای اجتماعی (از طریق گسترش پیوندهای اجتماعی و شبکه روابط اجتماعی افراد) دارند، لذا کیفیت برگزاری این مراسم، از اهمیت بالایی برخوردار است و باید با برنامه‌ریزی‌های ویژه و کارشناسی شده، برگزار گردد تا هر روز شاهد افزایش تعداد شرکت‌کنندگان در این مراسم باشیم و از این طریق،

بستر مناسب جهت کاهش میزان انزوای اجتماعی را فراهم نمائیم. لازم به توضیح است که دین اسلام به دلیل ماهیت جمعی فراوانی که دارد، می‌تواند نقش بسیار مهمی در کاهش میزان انزوای اجتماعی ایفاء نماید. انواع مراسم و مناسک مذهبی که در ماه‌های مختلف سال و به مناسبت‌های مهم برگزار می‌شود، یکی از مزایایی است که استفاده مطلوب از آن می‌تواند، در کاهش میزان انزوای اجتماعی در بین شهروندان مؤثر باشد. بر این اساس، مسؤولیت سازمان‌های متولی مراسم و مناسک مذهبی، از جمله اداره فرهنگ و ارشاد اسلامی، صدا و سیما، سازمان تبلیغات اسلامی و ... مضاعف می‌شود و می‌طلبد که در برنامه‌ریزی و اقدامات مختلف خود، به این نکته توجه داشته باشند که یکی از راه‌های کاهش میزان انزوای اجتماعی، افزایش میانگین دین‌داری مناسکی در بین افراد، از طریق برگزاری با کیفیت مناسک و مراسم مختلف دینی و مذهبی است.

در یک جمع‌بندی نهایی باید گفت که نتایج این تحقیق، همسو با انتظار نظری تحقیق و در راستای نظریه‌های دورکیم و پوتنام و سایر نظریه‌پردازان این حوزه است که معتقد بودند دین‌داری، زمینه کاهش انزوای اجتماعی در یک جامعه است.

منابع

- ابراهیمی‌لوبه، عادل؛ صحبتی‌ها، علی؛ رضایی‌زاده، همایون (۱۳۹۳). "بیگانگی اجتماعی و عوامل مؤثر بر آن (مطالعه موردی: جوانان ۲۰ تا ۳۰ سال شهرستان خدابنده)". *بررسی مسائل اجتماعی*، دوره ۵، ش ۱۵ (بهار و تابستان): ۱-۱۸.
- ابراهیمی‌مقدمیان، محمود (۱۳۸۸). "بررسی عوامل اجتماعی- فرهنگی مؤثر بر انزوای اجتماعی جوانان در شهر همدان". پایان‌نامه کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه اصفهان.
- افشانی، سیدعلیرضا (۱۳۸۵). "تبیین جامعه‌شناختی گرایش به خرافات در ایران". پایان‌نامه کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه اصفهان.
- افشانی، سیدعلیرضا، و دیگران (۱۳۸۹). "پژوهشی در باب رابطه دینداری و اعتماد اجتماعی". *فصلنامه علوم اجتماعی*، دوره ۱۷، ش ۴۹ (تابستان): ۱۸۵-۲۱۷.
- بنی‌فاطمه، حسین؛ رسولی، زهره (۱۳۹۰). "بررسی میزان بیگانگی اجتماعی در بین دانشجویان دانشگاه تبریز و عوامل مرتبط با آن". *جامعه‌شناختی کاربردی*، دوره ۲۲، ش ۱ (بهار): ۱-۲۶.
- پیراسته‌مطلق، علی‌اکبر؛ پیراسته‌مطلق، علی‌اصغر؛ پیشرو نصرآبادسغلی؛ نظر (۱۳۹۱). "نقش اضطراب ناشی از ارزیابی منفی اجتماعی در انزوای اجتماعی نوجوانان". *پژوهش‌های روان‌شناسی اجتماعی*، دوره ۱، ش ۴ (زمستان): ۱۴۵-۱۵۶.
- توسلی، غلامعباس (۱۳۸۰). *جامعه‌شناسی دین*. تهران: سخن.
- جلایی‌پور، حمید (۱۳۸۹). "ایران، جامعه کژمدرن". *جامعه‌شناسی ایران*، دوره ۱۱، ش ۵ (بهار): ۲۲-۴۸.
- چلبی، مسعود؛ امیرکافی، مهدی (۱۳۸۳). "تحلیل چندسطحی انزوای اجتماعی". *جامعه‌شناسی ایران*، دوره ۵، ش ۱۸ (تابستان): ۳-۳۱.
- حشمت‌یغمایی، محمدتقی (۱۳۸۰). "دین‌داری نوجوانان و عوامل مؤثر بر آن". پایان‌نامه کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه علامه طباطبائی (تهران).
- حقیقتیان، منصور (۱۳۹۲). "عوامل اجتماعی مؤثر بر انزوای اجتماعی جوانان (مورد مطالعه: شهر

- اصفهان). "مطالعات توسعه ایران، دوره ۵، ش ۴ (پاییز): ۱۴۰-۱۸۰.
- خسروپناه، عبدالحسین (۱۳۷۹). در چیستی دین، فلسفه دین و کلام جدید. به کوشش محمدصفر جبرئیلی. تهران: پژوهشگاه فرهنگ اسلامی، سازمان انتشارات.
- دورکیم، امیل (۱۳۶۹). تقسیم‌کار اجتماعی. ترجمه باقر پرهام. بابل: کتابسرای بابل.
- _____ (۱۳۸۴). صور بنیادی حیات دینی. ترجمه باقر پرهام. تهران: نشر مرکز.
- ربیعی، علی؛ محمدزاده یزدی، فرشته (۱۳۹۲). "آسیب‌شناسی فضای مجازی، بررسی تأثیر استفاده از اینترنت بر انزوای اجتماعی دانشجویان". *راهبرد اجتماعی فرهنگی*، دوره ۲، ش ۶ (بهار): ۴۳-۶۰.
- رسول‌زاده اقدام، صمد، و دیگران (۱۳۹۳). "تحلیل رابطه حضور در شبکه‌های اجتماعی فیس‌بوک و انزوای اجتماعی در بین جوانان شهر تبریز". *توسعه اجتماعی*، دوره ۸، ش ۴ (تابستان): ۱۳۳-۱۵۴.
- رضایی، مریم؛ بساطیان، سیدمحمد؛ جعفریان، مرتضی (۱۳۹۴). "عوامل مؤثر بر بیگانگی اجتماعی زنان شاغل شهر خرم‌آباد". *مطالعات ملی*، دوره ۱۶، ش ۳ (زمستان): ۸۳-۱۰۰.
- شجاعی‌زند، علیرضا (۱۳۸۴). "مدلی برای سنجش دین‌داری در ایران". *جامعه‌شناسی ایران*، دوره ۶، ش ۱ (بهار): ۳۴-۶۶.
- سجادیان، ایلناز؛ نادری، محمدعلی (۱۳۸۵). "ارتباط بین افسردگی و انزوای اجتماعی کاربران اینترنت نوجوان و جوان با مدت زمان روزانه معمول کاربری اینترنت". *تحقیقات علوم رفتاری*، دوره ۴، ش ۷ (بهار و تابستان): ۳۳-۸.
- علمی، محمود؛ تقی‌لو، فرامرز؛ موسی‌زاده، رحیم (۱۳۹۲). "بررسی رابطه بیگانگی اجتماعی و میزان مشارکت سیاسی در بین دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد نقده". *مطالعات جامعه‌شناسی*، دوره ۲، ش ۶ (بهار): ۱۳۱-۱۵۴.
- علیزاده، سکینه (۱۳۷۷). "درآمدی بر مطالعات مردم‌شناسی دین". *نمایه پژوهش*، ش ۵ و ۶ (بهار و تابستان): ۴۳-۵۶.
- عمید، حسن. فرهنگ عمید، ج ۲. ذیل "دین".

- فولادیان، احمد (۱۳۹۴). "بررسی رابطه بین میزان بیگانگی اجتماعی و میزان بی‌تفاوتی اجتماعی در بین دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد مشهد". *مطالعات جامعه‌شناختی جوانان*، دوره ۵، ش ۱۷ (بهار): ۱۲۵-۱۴۴.
- فیروزآبادی، سیداحمد؛ حسینی، سیدرسول؛ قاسمی، روح‌الله (۱۳۸۹). "مطالعه شاخص‌ها و رتبه توسعه اجتماعی در استان‌های کشور و رابطه آن با سرمایه اجتماعی". *رفاه اجتماعی*، دوره ۱۰، ش ۳۷ (تابستان): ۵۷-۹۳.
- کلانتری، عبدالحسین؛ بشیری گیوی، حسین؛ غلامی شاهسواری، سهیلا (۱۳۹۱). "بررسی جامعه‌شناسی عوامل فرهنگی و اجتماعی مؤثر بر از خودبیگانگی شهرنشینان شهر گیوی". *مطالعات توسعه اجتماعی ایران*، دوره ۴، ش ۳ (تابستان): ۵۳-۶۳.
- کلینکه، کریس ال. (۱۳۸۴). *مهارت‌های زندگی*، ج ۱. ترجمه شهرام محمدخانی. تهران: اسپند هنر.
- کوزر، لویس (۱۳۷۲). *زندگی و اندیشه بزرگان جامعه‌شناسی*. ترجمه محسن ثلاثی. تهران: علمی.
- محسنی، منوچهر؛ دوران، بهزاد؛ سهرابی، محمدهادی (۱۳۸۵). "بررسی اثرات استفاده از اینترنت بر انزوای اجتماعی کاربران اینترنت (در میان کاربران کافی‌نت‌های تهران)". *جامعه‌شناسی ایران*، دوره ۷، ش ۴ (زمستان): ۷۲-۹۵.
- محمدی، حمید؛ قهرمان، علی؛ فتاحی، هوشنگ (۱۳۹۴). "بررسی جامعه‌شناختی عوامل مرتبط با بیگانگی اجتماعی جوانان با تأکید بر میزان استفاده از وسایل ارتباط جمعی (مطالعه موردی: شهر خوی)". *مطالعات امنیت اجتماعی*، دوره ۲، ش ۴۴ (زمستان): ۱۰۹-۱۳۷.
- مصطفوی کهنگی، فرحناز (۱۳۹۳). "آسیب‌شناسی تأثیر استفاده از اینترنت بر انزوای اجتماعی دانشجویان". *مطالعات جامعه‌شناختی جوانان*، دوره ۵، ش ۱۵ (پاییز): ۱۴۳-۱۵۶.
- یعقوبی دوست، محمود (۱۳۹۲). "بررسی رابطه بین انزوای اجتماعی با میزان خشونت والدین نسبت به فرزندان نوجوان". *فصلنامه علوم اجتماعی دانشگاه آزاد اسلامی واحد شوشتر*، دوره ۷، ش ۳ (پاییز): ۵۸-۷۲.

- Beckford, J. A. (1992). *Religion and advanced industrial societies*. New york: routledge.
- Bruce H. R.; Quane, J. M. (2000). "Neighborhood poverty and the social isolation of inner-city african american families". *Social forces*, Vol. 79, No. 1: 139-164.
- Burholt, V.; Wenger, G. (2004). "Changes in levels of social isolation and loneliness among older people in a rural area: a twenty-year longitudinal study". *Canadian journal of aging*, Vol. 23, No. 2: 115-127.
- Christina, V.; Scambler, S.; Bond, J. (2009). "The social world of older people understanding loneliness and social isolation in later life". *The british journal of social work*, Vol. 39, No. 6: 1175-1176.
- De Jong Gierveld, J.; Kamphuis F. (1985). "The development of a rasch-type loneliness scale". *Applied psychological measurement*, Vol. 9, No. 3: 289-299.
- De Jong Gierveld, J.; Tilburg, T.G. (1999). *Manual of the loneliness scale*. Amsterdam: vrije university, Amsteden.
- Friedenberg, E. (2008). *Coming of age in america*. Net york: Pantheon books.
- Hampton, K, et al. (2009). *Social isolation and new technology*. New york: Princeton survey research associates international.
- Heriss, A. P. (2006). "Alienation Internet and higher education". Vol. 8, No. 2: 97-110.
- Hughes, T.; Andrews, B.; Boonc, C. (2004). "Old drugs, new tricks: using genetically sensitized yeast to reveal drug targets". *Cell*, Vol. 116, No. 1: 5-7.
- Locher, J. L., et al. (2005). "Social isolation, support and capital and nutritional risk in an older sample: Ethnic and gender differences". *Social science and medicine*, Vol. 60, No. 4: 747 - 761.
- Mannarini, T.; Fedi, A.; Trippetti, S. (2010). "Public involvement: How to encourage citizen participation". *Journal of community and applied social psychology*, Vol. 20, No. 4: 262-274.
- Pinquart, M.; Sorensen, S. (2001). "Influences of socioeconomic status, social network and competence on subjective well-being in later life". *A meta analysis psychology and aging*, Vol. 15, No. 2: 187-224.
- Ritzer, G. (2011). *Sociological theories*. New york: Mc Graw-Hill.
- Robertson, R. (1978). "The problem of the two kingdom: religion, individual, and society in the work of J. Milton Yinger". *Journal for the scientific study of seligion*, Vol. 17, No. 3: 306-313.
- Russell, D.; Peplau, L. A.; Cutrona, C. E. (1980). "The revised UCLA lonelinessScale: concurrent and discriminate validity evidence". *Journal of personality and social psychology*, Vol. 39, No 3: 472-480.

- Seeman, M. (1983). "Alienation motifs in contemporary theorizing: The hidden continuity of classic themes". *Social psychology quarterly*, Vol. 46, No. 1: 171-184.
- Vandervoort, D. (2000). "Social isolation and gender". *Current psychology*, Vol. 19, No. 3: 229-236.
- Weiss, R. S. (1973). *Loneliness: The experience of emotional and social isolation*. Cambridge: MIT Press.
- Woolcock, M. (1998). "Social capital and economic development: Toward a theoretical synthesis and policy framework". *Theory and society*, Vol. 27, No. 2: 151-208.
- Yinger, J. M. (1977). "A comparative study of the substructures of religion". *Journal for the scientific study of religion*, Vol. 16, No. 1: 67-86.
- York, E.; Waite, L. (2009). "Measuring social isolation among older adults using multiple indicators from the NSHAP study". *Oxford university press on behalf of The gerontological society of america*, Vol. 27, No. 1: 115-123.

